# فصل هشتم

## مساله 2:

(مسألة ٢): الظاهر حرمة النظر إلى ما يحرم النظر إليه في المرآة و الماء الصافي مع عدم التلذّذ، و أمّا معه فلا إشكال في حرمته. (یزدی)[[1]](#footnote-1)

در مواردی که نگاه کردن به بدن اجنبی جایز نیست آیا خصوص نظر مستقیم حرام است یا نگاه کردن حتی اگر از طریق آینه یا آب صاف باشد نیز حرام است؟

مرحوم سید فرموده اند ظاهر این است که نظر کردن بدون قصد التذاذ به نامحرم بوسیله آینه و آب صاف حرام است. البته اگر این نگاه همراه با التذاذ باشد شکی در حرمت آن نیست و به نحو جزمی حکم به حرمت داده اند.

در این قسمت کسی از محشين عروه با مرحوم سید مخالفت نکرده است. فقط برخی فرموده اند احوط این است که چنین نظری (نظر بوسیله آینه و آب صاف) حرام است.

تنها مخالف درمساله مرحوم نراقی است که در مستند حکم به جواز نظر بوسیله آینه داده اند.

### ادله قائلین به حرمت نظر بوسیله آینه وامثال آن:

#### وجه اول؛ اطلاق ادله حرمت نظر

#### وجه دوم؛ظاهر از دليل به تناسب حکم و موضوع (آقای حکیم)

#### وجه سوم؛ آیه شریفه امر به غض بصر (آقای داماد)

#### وجه چهارم؛ آیه شریفه لايبدین زینتهن (آقای داماد)

#### وجه پنجم؛ روایات مشتمل بر سهم بودن نظر

جلسه 48

#### وجه ششم؛ ادله اضطرار به طبیب مرد

در صحیحه ابوحمزه[[2]](#footnote-2) بیان شده است که در فرض اضطرار طبیبی که مرد است می تواند به بدن زن نگاه کند. اگر نظر به وسیله آینه جایز بود هیچ گاه اضطرار به نگاه کردن به نحو حرام محقق نمی شد. زیرا در مقام علاج نهایت چیزی که لازم است این است که طبیب باید موضع درد را ببیند تا بتواند آن را درمان کند و این عمل می تواند بوسیله آینه نیز انجام شود و نیاز به نگاه مستقیم نیست. حال آنکه امام علیه السلام فرموده اند اگر اضطرار پیدا شد نگاه کردن مرد به بدن زن مانعی ندارد و این نشان می دهد که مواردی وجود دارد که اضطرار محقق می شود و این اضطرار پدید نمی آید مگر اینکه گفته شود نظر در آینه نیز حرام است.

اشکال:

آنچه در صحیحه ابی حمزه ثمالی وارد شده است این است که حکم کلی در باب نظر به بدن زن این است که در موارد اضطرار برای علاج نگاه کردن به بدن زن جایز است. اما اینکه اضطرار کجا محقق می شود مورد بحث روایت نیست.

ان قلت:

هر چند قضایای حقیقه در مقام بیان تحقق صغری نیست اما اگر مورد به نحوی باشد که با فرض جواز نظربه آینه هیچ وقت اضطرار به نگاه کردن مستقیم محقق نمی شود در این صورت این صحیحه دلالت بر حرمت نظر بواسطه آینه نیز می کند. به عبارت دیگر اگر هیچ وقت اضطرار محقق نشود معنا ندارد امام علیه السلام جواز نظر در فرض اضطرار را بيان کند و حکم را روی شرطی ببرد که هیچ گاه محقق نمی شود. از اینجا کشف می شود که نگاه توسط آینه هم حرام است. چون اگر نگاه در آینه جایز بود، مورد میشد از موارد بیان حکم مع العلم بأنتفاء الشرط و حال آنکه امر آمر مع العلم بانتفاء شرطه جايز نيست .

قلت:

از نظر صغروی این طور نیست که اگر نظر بواسطه آینه جایز باشد همه جا غرض در علاج حاصل بشود و هیچ گاه نیاز به نظر مستقیم نباشد. بلکه اصلا ممکن است گفته شود در اکثر موارد لازم است طبیب برای تشخیص صحیح، مستقیم به محل زخم یا درد و شکستگی نگاه کند.

#### وجه هفتم؛ روایات دال بر جواز نظر به زن برای ازدواج (محقق داماد)

در روایات باب 36 از ابواب نکاح وارد شده است که مرد می تواند برای ازدواج به محاسن و موی زن نگاه کند[[3]](#footnote-3). این روایات دلالت می کند که نگاه به وسیله آینه جایز نیست. توضیح آنکه:

اگر نگاه کردن بوسیله آینه و مثل آن جایز بود در موارد قصد ازدواج نیازی نبود که شارع نظر بدون واسطه به بدن زن را جایز کند. بلکه باید می گفت در این موارد مرد بوسیله آینه به بدن زن نگاه کند در حالیکه نگاه بلاواسطه تجویز شده است و این نشان می دهد که نگاه بدون واسطه و بوسیله آینه هر دو حرام هستند.

محقق داماد در ادامه فرموده اند روایاتی که در مورد نگاه به زن در مورد شهادت دادن وارد شده است نیز می تواند دلیل بر مدعا باشد. این روایات نیز به همان تقریب فوق دلالت می کند که نظر بواسطه آینه نیز حرام است و الا شارع بجای جواز نظر مستقیم باید می گفت بوسیله آینه نگاه شود.

البته این ضمیمه جا ندارد. زیرا در موارد اشهاد چیزی که بیان شده است این است که مرد به وجه و کفین زن نگاه کند و آنهم در روایت فرموده بود نقاب بزند. بله اگر کسی در وجه و کفین قائل به حرمت نظر شد این روایات با تقریب فوق می تواند دلیل بر مدعا باشد.

اشکال:

اگر از نظر صغروی فرض شود که غرض از نگاه مرد به زن برای ازدواج بوسیله آینه نیز حاصل شود این استدلال صحیح است. در حالی که از جهت صغروی این طور نیست که غرض از نگاه کردن که وقوف بر محاسن زن باشد بوسیله آینه حاصل شود لذا استدلال فوق تمام نیست.

### دلیل قول به جواز نظر در آینه و آب صاف

محققق نراقی قائل به این قول است. ایشان به دو وجه تمسک کرده است.

#### الف. وجه اول

الظاهر جواز النظر إلى كلّ‌ ما لا يجوز النظر إليه في المرآة و الماء و نحوهما، لانصراف النظر إلى الشائع و المتعارف...(نراقی)[[4]](#footnote-4)

هر چند نظر اطلاق دارد و شامل نظر بوسیله آینه می شود اما فرد شایع از نظر همان نظر مستقیم است و اطلاقات منصرف هستند به فرد متعارف و شایع.

#### ب. وجه دوم؛

لعدم العلم بكونه نظرا إلى المرء و المرأة، لجواز كون الرؤية فيهما بالانطباع. (نراقی)[[5]](#footnote-5)

 موضوع حرمت در ادله نظر به مرأة است. در محل کلام که شخص بوسیله آب صاف یا آینه به زن نگاه می کند معلوم نیست در این حالات نظر به زن اتفاق افتاده باشد. زیرا در اینکه حقيقت رؤیت در آینه چه چیزی است اختلاف است. برخی می گویند سبب دیدن در آینه انکسار نور است. همان طور که در دیدن مستقیم نور به شی می خورد و بعد از آن بازتابش به چشم ما می خورد و آن را می بینیم در آینه نیز همین اتفاق می افتد. یعنی نور به شی مرئی می خورد و از آن به آینه منعکس می شودو بعد از آن به چشم ما بازتاب می شود. اگر حقیقت رؤیت در آینه از باب انکسار نور باشد در اینجا نظر به زن در آینه و نظر مستقیم تفاوتی ندارد و هر دو حرام است. اما اگر حقیقت رؤیت بوسیله آینه از باب انطباع باشد. یعنی عکس شی در آینه منطبع می شود و ما در حقیقت آن عکس را می بینیم. مثل آنچه که در پرده سینما اتفاق می افتد. اگر حقیقت رؤیت از باب انطباع باشد در این حالت آنچه که اجنبی می بیند نفس آن زن نیست بلکه عکس آن زن است و دلیلی بر حرمت دیدن عکس نداریم. در نتیجه مورد از موارد شبهه مصداقیه می شود و نمی توان در آن به دلیل حرمت تمسک کرد.

اشکال به وجه اول:

مجرد کثرت وجود و تعارف سبب انصراف مطلق به فرد متعارف نمی شود. آنچه که سبب انصراف است کثرت استعمال است نه کثرت وجود. صرف کثرت افراد نیز سبب کثرت استعمال موجب انصراف نمی شود. زیرا کثرت استعمالی موجب انصراف می شودکه لفظ مطلق در حصه استعمال بشود با عنایت به اینکه حصه ی خاصی است. اما اگر لفظ مطلق در افراد متعارف استعمال بشود بما اینکه یکی از افراد مطلق است در این حالت این سبب انصراف نمی شود. زیرا نکته انصراف این است که استعمال کثیر موجب انس ذهنی بین لفظ مطلق و یکی ازحصص آن شود.مثلا آب را که در آب متعارف استعمال می کنند از این باب است که یکی از مصادیق آن است و این موجب انصراف نمی شود ، در محل کلام نیز کثرت استعمال موجب انصراف اتفاق نیافتاده است.

1. یزدی محمد کاظم بن عبد العظیم. *العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)*. ج 2، جماعة المدرسين في الحوزة العلمیة بقم. مؤسسة النشر الإسلامي، 1421، ص 318. [↑](#footnote-ref-1)
2. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ يُصِيبُهَا الْبَلَاءُ فِي جَسَدِهَا إِمَّا كَسْرٌ وَ إِمَّا جُرْحٌ فِي مَكَانٍ لَا يَصْلُحُ النَّظَرُ إِلَيْهِ يَكُونُ الرَّجُلُ أَرْفَقَ بِعِلَاجِهِ مِنَ النِّسَاءِ أَ يَصْلُحُ لَهُ النَّظَرُ إِلَيْهَا قَالَ إِذَا اضْطُرَّتْ إِلَيْهِ فَلْيُعَالِجْهَا إِنْ شَاءَتْ. [↑](#footnote-ref-2)
3. عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ مُسْلِمٍ‌ قَالَ‌: سَأَلْتُ‌ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌ عَنِ‌ الرَّجُلِ‌ يُرِيدُ أَنْ‌ يَتَزَوَّجَ‌ الْمَرْأَةَ‌ أَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا قَالَ‌ نَعَمْ‌ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَغْلَى الثَّمَنِ‌ . [↑](#footnote-ref-3)
4. نراقی احمد بن محمدمهدی. *مستند الشیعة في أحکام الشریعة*. ج 16، مؤسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، 1415، ص 60. [↑](#footnote-ref-4)
5. نراقی احمد بن محمدمهدی. *مستند الشیعة في أحکام الشریعة*. ج 16، مؤسسة آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث، 1415، ص 60. [↑](#footnote-ref-5)